



شهید مدنی اگر چه همدانی نبود، اما همدانی‌ها او را از خود می‌دانند و او هم خود را به یک معنا همدانی به حساب می‌آورد.

(امام خاتمه‌ای مدظله العالی)

حجت‌الاسلام سید حسن ملیحی، معاون سابق اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان همدان:

آیتا... مدنی اشجع الناس بود

رفتیم، مسئول شهرداری آن زمان همدان به ایشان توهین و ایشان را دعانویس خطاب کرد. در این لحظه من عصبانی شدم و با اسلحه‌ای که داشتم، چند تیر شلیک کردم. رئیس شهرداری فرار کرد. داروها را بار وانت زدیم و خدمت ایشان آمدم. از ماجرا مطلع شدند بر پیشانی‌ام بوسه زده و فرمودند: آفرین بر این شهامت...



زمانی که شهید مدنی در همدان اقامت کردند، خدمت ایشان حاضر شدم که نخستین خواسته ایشان از ما مسلح شدن برای مبارزه با رژیم طاغوت بود. به دنبال تهیه اسلحه رفتیم که برای آن فرشی را به مبلغ ۱۶ هزار تومان فروختم و اسلحه برتا خریداری کردم که پس از انقلاب آن را تحویل دادیم.

از آن پس شهید مدنی را رها نکردم و به عنوان محافظ ایشان را همراهی کردم. در نمازی هم که در جهان‌نما و میدان امام(ره) خوانده شد، در کنار شهید مدنی حضور داشتم. روزی ایشان در حال عبور از خیابان بودند که مأموران مسلح را در پشت بام هتل آرین دیدند و ناراحت شدند با اشاره بنده، مأموران آنجا را ترک کردند.

روزی به دستور ایشان برای تهیه دارو به شهرداری

در تربیت و رشد افراد سعی بلیغ داشتند

برایشان فرق نمی‌کرد که طرف مقابل افغانی باشد یا ترک یا لر یا عرب. ترکی صحبت کردنشان گیرا بود و به عربی که سخنرانی می‌کردند، عرب‌ها جذب می‌شدند. در افغانستان و پاکستان هم بودند، از جمله شهید عزالدین حسینی که مدت‌ها در محضر ایشان تحصیل کرده بود. در مشهد بیشتر با شاگردش مرحوم کافی همراه بودند. در گنبد خدمات فراوانی کردند و در لرستان زحمات زیادی کشیدند. در همدان صندوق قرض‌الحسنه، درمانگاه و دارالایتام حاصل زحمات ایشان است. در آذرشهر، مخصوصا در تعطیل کردن کارخانه شراب نقش مهمی داشتند.

یک روز یک نفر گفت: «فلانی! من پرپر خدمت آقای آخوند بودم پدر شما آنجا آمد. نامه‌ای از آن خیمینی برای آقای آخوند آورده بود. نامه را که می‌گفتی است خدمت ایشان بدهد، گریه‌اش می‌کنی و گفتم: «آسید! شما هر چه می‌گوئید، درست است. ولی من در فلاتی چه کنم که هر شب به مسجد می‌آید، از من سؤال کرده در رفتارندو شب‌ها نمی‌کنم؟ من هم جواب داده‌ام. شرکت در این زخمی‌خونم در حکم محاربه با امام زمان (عج) است، ولی در فلاتی و شرکت کرده! با اینها چه کنم؟»



شهید مدنی مناسبت ما بود و برنامه‌شان این بود که در ماه رمضان مناسبت از افطار نماز می‌خواندند. بنده هم به ترتیب از این نماز به جماعت و در مسجد می‌خواندم. یکبار خاریده گفتند ما هم می‌خواهیم بیاییم. گفتند: این شود ماشین، منتظر آقای مدنی است. ایشان مطاع شدند و گفتند: صبر می‌کنیم تا آنها هم بیایند. چرا مانع می‌شوید؟ خلاصه برنامه را برای ترتیب دادند که خانم‌ها هم در نماز جماعت مسجد شرکت کنند.

ایشان ویژگی‌های مثبت همه را تقویت می‌کردند و در تربیت و رشد افراد سعی بلیغ داشتند. بسیار پرکار و پرجوش بودند. خود را وقف مردم و جامعه می‌دانستند و از هیچ خدمتی مضایقه نمی‌کردند. هر چند خودشان لهجه‌ی ترکی داشتند اما

حجت‌الاسلام محمد جوادی

شهید مدنی با سلاح ژ-۳ استاندارد تبریز را تهدید کرد

شهید مدنی از شخصیت‌های بزرگ علمی-اخلاقی بودند و نخستین خاطرات من از ایشان به دوران پیش از انقلاب اسلامی که ایشان در نجف بودند و تابستان‌ها به همدان می‌آمدند. ایشان روزها به همدان و حوزه علمیه می‌آمدند. من در آن زمان مشغول تحصیل و تدریس در حوزه بودم. شهید مدنی رفاقت داشتند و پیگیر کارها بودند و چیزی را که می‌خواستند، به طور قطع محقق می‌کردند. وقتی ایشان به دستور امام(ره) پس از شهید قاضی امام جمعه تبریز شدند، شخص من که استاندار آن منطقه بود، در خط نبود و از باقی‌مانده‌های حزب خلق مسلمان بود و ایشان مایل بودند که از عزل ش... و از آنجا برود. چند بار تلاش کردند اما به دلیل حمایت عده‌ای از او در تهران، نتیجه نگرفتند. در ۳ در دست داشتند و به آن تکیه کرده، به... ادامه خطبه سلاح را بالا گرفتند و گفتند: چرا امام جمعه باید به این تکیه...؟ من در دریافت نکردند. گفتند: خودم جواب می‌دهم. برای اینکه اگر امام جمعه گفت که استاندار با... برود... اتفاق نیفتاد، امام جمعه پس از نماز با همین سلاح به سراغ او برود و او را تهدید کند... سیر ما دم بلند شد.

محمد صالح، از همراهان شهید:

شهید مدنی، یک عالم بزرگوار با اخلاق کریمه بود

در سال ۳۹ زمانی که نوجوانی ۱۶ ساله بودم، برای نخستین بار ایشان را در مسجد جامع همدان دیدم. سال ۴۲ برای نخستین بار به منزل ایشان رفتم و بیشتر با شخصیت این شهید بزرگوار آشنا شدم. مدتی بعد شهید مدنی (ره) به جنوب، سپس به ترکمن تبعید شدند و پس از انقلاب هم زمانی که به جای شهید قاضی به تبریز رفتند، به همراه آقایان فاضلیان امام جمعه وقت همدان و اکرمی و باب‌الحوائجی در تبریز به دیدار ایشان در حیاط قدیمی‌شان رفتیم. چون به نوعی در همدان هم ولایت داشتند. به یاد دارم در سال ۴۱ وقتی که لوایح شش گانه "شاه و مردم" مطرح شد، در یکی از بندهای آن راجع به کاندیدا شدن زنان در مجلس نمایندگان گفته شده بود که شهید مدنی (ره)، با توجه به شناختی که از مقاصد شاه داشتند و می‌دانستند که شاه این مورد را حربه‌ای برای نیت‌های شوم خود قرار داده است، در صحن مسجد جامع، باطن این بند را برای مردم تبیین و ارزش‌های واقعی زنان دفاع کردند.

آیتا.. شهید مدنی نقش بی‌بدیلی در پیروزی انقلاب داشت

مکتب حیات بخش اسلام بودند و آزادی خواهان و پیروان اهل بیست با راهنمایی علما راستین و آموزش دیدن کافی با ظلم مبارزه کرده اند. مدیر کل ارشاد اسلامی استان همدان ادامه داد: آیت الله شهید مدنی بدون شک نقش بی‌بدیلی در ایستادگی مقابل فتنه ی خلق مسلمان، حمایت از رزمندگان دفاع مقدس و همچنین پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشت.

یاد می‌کنند. مدیر کل ارشاد اسلامی استان همدان با عنوان این مطلب گفت: نقش روحانیت در تاریخ اسلام تاثیر گذار و بی‌بدیل است. احمد رضا احسانی اظهار کرد: علما و دانشمندان اسلام همانند چراغ‌های راهنمایی در ادامه انبیا الهی هستند. وی ادامه داد: تاریخ ما گواه این واقعیت است که علما با وجود تحمل مصائب و مشکلات همواره پاسدار ارزشهای راستین

شجاعت کم نظیر شهید مدنی از جمله ویژگی‌هایی است که دوست و دشمن بدان معترفند. این ویژگی چنان در ایشان آشکار بوده است که همواره گفته میشود، با وجود خفقان دوران ستمشاهی به خانواده‌های مبارزین و شهدا سرکشی می‌کردند و آنان را تسلی می‌دادند. این برخورد مهربانانه و شجاعانه، چنان در یاد و خاطره خانواده شهدا به جا مانده که پس از سال‌ها همواره از آن با حلاوت خاصی

